

لازم به ذکر است: متن ذیل پیاده شده از صوت درس می‌باشد و هیچگونه ویرایشی روی آن اعمال نشده است.

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین و صلی الله تعالی علی سیدنا و نبینا ابوالقاسم محمد و علی آله
الطیبین الطاهرین المعصومین لا سیما بقیة الله فی الارضین ارواحنا فداه و عجل الله
تعالی فرجه الشریف.

در آستانه‌ی میلاد مبارک اعظم الخلائق و افضل الخلائق و سید المرسلین و حبیب اله
العالمین محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم و فرزند بزرگوارش حضرت ابا عبد
الله جعفر بن محمد الصادق صلوات الله علیهم اجمعین هستیم. این دو میلاد بسیار مبارک
را خدمت حضرت بقیة الله الاعظم ارواحنا فداه و حضرت معصومه علیها السلام و همه‌ی
شیعیان و موالیان آن بزرگواران تبریک عرض می‌کنیم و امیدواریم که همه‌ی ما جزو
شیعیان و موالیان راستین آن بزرگوار بوده باشیم و ان شاء الله رسالت آن بزرگوار
عالم‌گیر شود و ان شاء الله نقطه‌ای از عالم باقی نماند الا و این که از گروندگان به این
پیامبر عظیم الشأن و خلفای طاهرینش ان شاء الله بوده باشیم. این زبرات خاصه‌ی
پیامبر عظیم الشأن را خدمت‌شان تقدیم می‌کنیم.

بسم الله الرحمن الرحیم

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا حَمَلْتَ وَحْيَكَ وَ بَلَغَ رِسَالَتَكَ

وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا أَحَلَّ خَلَائِكَ وَ حَرَّمَ حَرَامَكَ وَ عَلَّمَ كِتَابَكَ

وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَى الزَّكَاةَ وَ دَعَا إِلَى دِينِكَ

وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا صَدَّقَ بِوَعْدِكَ وَ أَشْفَقَ مِنْ وَعِيدِكَ

وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا عَقَرْتَ بِهِ الدُّثُوبَ وَ سَتَرْتَ بِهِ الْعُيُوبَ وَ فَرَجْتَ بِهِ الْكُرُوبَ

وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا دَفَعْتَ بِهِ الشَّقَاءَ وَ كَسَفْتَ بِهِ الْعَمَاءَ وَ أَجَبْتَ بِهِ الدُّعَاءَ وَ نَجَّيْتَ بِهِ
مِنَ الْبَلَاءِ

وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا رَجِمْتَ بِهِ الْعِبَادَ وَ أَحْيَيْتَ بِهِ الْبِلَادَ وَ قَصَمْتَ بِهِ الْجَبَابِرَةَ وَ أَهْلَكْتَ بِهِ
الْقَرَائِنَةَ

وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا أَصْعَفْتَ بِهِ الْأَمْوَالَ وَ أَحْرَزْتَ بِهِ مِنَ الْأَهْوَالِ وَ كَسَرْتَ بِهِ الْأَصْطَامَ وَ
رَجِمْتَ بِهِ الْأَنَامَ

وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا بَعَثْتَهُ بِخَيْرِ الْأَدْبَانِ وَاعْزِزْتَ بِهِ الْإِيمَانَ وَتَبَرَّتْ بِهِ الْأَوْتَانُ وَعَظَّمْتَ
بِهِ الْبَيْتَ الْحَرَامَ

وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ الْأَخْبَارِ وَسَلِّمْ تَسْلِيمًا

اللهم صل على محمد و آل محمد

این صلوات خاصه مولایمان امام صادق سلام الله علیه را هم خدمتشان تقدیم می‌کنیم.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ خَازِنِ الْعِلْمِ الدَّاعِي إِلَيْكَ بِالْحَقِّ الثَّوَرِ الْمُمِينِ

اللَّهُمَّ وَ كَمَا جَعَلْتَهُ مَعْدِنَ كَلَامِكَ وَ وَحْيِكَ وَ خَازِنَ عِلْمِكَ وَ لِسَانَ تَوْجِيدِكَ وَ وَلِيَّ أَمْرِكَ وَ
مُسْتَحْفَظًا (مُسْتَحْفِظًا) دِينِكَ فَصَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَصْفِيَائِكَ وَ حُجَّجِكَ
إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.

اللهم صل على محمد و آل محمد.

بحث در این بود که آیا در مورد مأمور و منهی بلوغ و یا به عبارت دیگر تکلیف شرط
هست یا شرط نیست گفتیم در مسئله سه قول رئیسی وجود دارد عدم الاشتراط که لعل
مسلك مشهور همین باشد «الثانی الاشتراط» که عده‌ای از فقها از کلماتشان ممکن
استفاده بشود و مسلك سوم تفصیل بود و مفضّلین علی اقوالی هستند که اقوال بیان شد
اما قول اول که اشتراط باشد که مسلك مشهور هست برای اشتراط صاحب جواهر
این جور استدلال فرموده، فرموده که آنچه که لازم هست امر به معروف و نهی از منکر
است ما در مورد غیر مکلف معروف و منکر نداریم پس سالبه‌ی به انتفاء موضوع است
چون صبیان، غیر بالغ‌ها یا مجانین که تکلیف ندارند این‌ها چیزی بر آن‌ها حرام نیست پس
افعالی که از آن‌ها سر می‌زند منکر حساب نمی‌شود و همچنین چیزی بر آن‌ها واجب
نیست پس بنابراین اموری را که ترک می‌کنند ترک واجب نکردند بنابراین موضوع امر به
معروف و نهی از منکر در مورد آن‌ها منتفی است. بنابراین طبق بیان ایشان این نه یک
شرط شرعی است از باب این است که معروف و منکر در مورد غیر بالغ‌ها و یا غیر
عاقل‌ها وجود ندارد آن‌ها وزان‌شان وزان دیوار است وزان اشجار است وزان بهائم است
چطور آن‌ها تکلیفی در مورد آن‌ها وجود ندارد فلذا امر به معروف و نهی از منکر تصویر
نمی‌شود این‌جا هم همین‌طور است.

س: ...

ج: تکلیف ندارد.

س: ...

ج: چون محرم نیست، چرا؟ چون ما گفتیم منکر یعنی محرم.

س: ...

ج: بله، معروف یعنی محرم، ببخشید منکر یعنی محرم، معروف یعنی واجب، این‌ها نه
واجبی دارند نه حرامی دارند پس بنابراین امر به معروف و نهی از منکر درباره‌ی آن‌ها
وجهی ندارد. چون مقصود از معروف، معروف نسبت به شخص است دیگر، بنابراین مثلاً

احکامی که بر مردان واجب است بر زنان واجب نیست در مورد زن‌ها امر به آن معروف‌ها معنا ندارد یک چیزهایی بر زن‌ها حرام است بر مرد‌ها حرام نیست نسبت به مرد‌ها آن‌جا نهی از منکر معنا ندارد چون نسبت به آن‌ها محرم نیست منکر نیست. نسبت به صبیان و غیر بالغ‌ها هیچ وجوبی وجود ندارد هیچ محرمی هم وجود ندارد پس امر به معروف و نهی از منکر این‌جا معنا ندارد نسبت به غیر عاقل‌ها هم همین‌طور است آن‌ها هم چیزی برشان واجب نیست رُفِعَ الْقَلَمُ عَنِ الْمَجْنُونِ و عَنِ الصَّبِيِّ، این فرمایش صاحب جواهر قدس سره است.

دو مطلب راجع به فرمایش ایشان وجود دارد مطلب اول این است که این که ایشان این‌جا فرموده‌اند که ما گفتیم که معروف یعنی واجب و منکر یعنی محرم، این مسئله با ماتقَدَّم منه قدس سره سازگار نیست چون خود ایشان قبلاً فرمود و علی مزجاً با عبارت شرایع «و علی کلِّ حال فقد ظهر لک ممّا ذکرنا سابقاً أنَّ المعروف ینقسمُ الی الواجب و النّوب ضرورة کون کلِّ منهما معروفاً» هم واجب‌ها معروف است هم مستحبات معروف است نماز شب معروف است یا منکر است یا هیچ‌کدام؟ همان‌جور که فرائض، نمازهای یومیه و فرائض معروف هستند مستحبات هم معروف هستند «ینقسمُ الی الواجب و النّوب ضرورة کون کلِّ منهما معروفاً بل قد سمعت احتمال اندراج ترک المکروه فی الثانی منهما ایضاً» بلکه ایشان قبلاً این احتمال را ابداء فرمود که ممکن است که بگوییم ترک مکروه‌ها هم مستحب است و داخل در معروف است. «و حیثُ فالدُّخ و الثّناء فی الکتاب و السّنة علی الأمرین بالمعروف شاملٌ لهما» همه‌ی ادله‌ای که راجع به امر به معروف وارد شده من الثّناء و المدح هم شامل آمرین به واجب‌ها می‌شود هم شامل آمرین به مستحبات می‌شود «نعم الامرُ بالواجب واجب و بالمندوب مندوب کما صرح به الحلی و الدیلمی و الفاضل و الشّهدان و غیرهم بل عن المفاتیح الاجماع علیه» پس بنابراین این در مورد معروف، وقتی این‌طوری شد در مورد صبیان ما واجب، حالا فرض کنید نداریم اما لاشکال بنابراین که عبادات صبی مشروع هست مستحب است بر آن‌ها، مستحبات داریم بر آن‌ها، اما واجب بر آن‌ها نداریم بر آن هم مستحب است که نماز بخواند مستحب است خیلی از کارها بر او هم مستحب است چون رفع مستحب امتثالی نیست. این رفع، رفع امتثالی است چون واجب که نیست می‌تواند ترک بکند خدای متعال می‌گوید اگر دلت خواست انجام بده ثواب گیرت بیاید ولی اگر انجام ندهی من عقاب نمی‌کنم. پس بنابراین این که ایشان می‌فرماید شامل نمی‌شود این تمام نیست بلکه اگر این‌جا مقصود این است که در امر به معروف واجب آیا شرط هست یا شرط نیست می‌گوییم که بله در امر به معروف واجب شرط است که آن مأمور بالغ باشد عاقل باشد اما در امر به معروف مستحب، معروفی که مستحب است نه شرط نیست. بلوغ شرط نیست و در هر دو جا مستحب است. لازمه‌ی فرمایش ایشان این است که این‌جور بگوییم. و اما منکر، منکر را ایشان می‌فرمایند که در همان بحث‌های قبلی آیا منکر ما دو قسم داریم یا نه؟ شرایع فرموده «و أمّا المنکر فلا ینقسم إذ لیس هو الا القبیح المحرم» منکر یک قسم دارد و آن کارهای قبیح و زشتی است که حرام است شرعاً «کما عن الشیخ التصریح به لما عرفته من عدم کون المکروه منکراً و حیثُ فالنّهی عنه کلّه واجب» یا «فالنّهی عنه کلّه واجب» منکر همیشه نهی از منکر واجب است چون منکر غیر حرام چیز دیگری نیست ولی بعداً ایشان می‌فرمایند که نه این مسئله ثابت نیست ممکن است که بگوییم منکر هم دو قسم دارد منکری که حرام است منکری که مکروه است منتها نهی از منکر حرام واجب است نهی از منکر مکروه مستحب. اگر گفتیم منکر و قسم دارد و منکر مکروه برای صبیان هست منکر حرام برای آن‌ها نیست منکر مکروه برای آن‌ها

هست باز نهی از منکر هم پس بنابراین این جوری نیست که مطلقاً مشروط باشد به این که منهی باید بالغ باشد نه، بله اگر نهی از منکر، نهی واجب مقصومان باشد حالا این، این مناقشهی اول که در فرمایش ایشان است.

س: ...

ج: بله ممکن است بگوییم مکروه است.

س: ...

ج: کراهت دارد بله،

س: ...

ج: دلیلش ادله است. در بحث‌های خودش است.

س: ...

ج: بله،

س: ...

ج: بله ممکن است بگوییم ...

س: ...

ج: نه نمی‌توانیم بگوییم

س: ...

ج: ممکن است که نباشد دلیل می‌خواهد چون امور تعبدی شرعی دلیل می‌خواهد اشکالی ندارد ولی دلیل می‌خواهد همین جوری نمی‌توانیم «اللَّهُ أَذِنَ لَكُمْ أَمْ عَلَى اللَّهِ تَفْتَرُونَ» (یونس، 59) باید دلیل داشته باشیم.

س: ...

ج: حالا شما که می‌گویید مباح است مکروه بگویی اقلاً یک ذره ضاجریت درد اگر نگوییم مستحب است.

س: ...

ج: بله، چون ترخیص در فعل دارد می‌گوید اگر یک مصلحه مایی یک حزاره مایی دارد، شارع به من هم بگوید نکن، حالا من البته اگر انجام دادم که عذابم نمی‌کند چون مشکله‌اش در این است که بخواهد اگر ترک بکنی در مستحب یا در این جا انجام بدهی بخواهد عقاب بکند اما اگر این راه، مثل راهنمایی می‌گوید آقا چنین حرازتهایی در آن هست تو هم اگر می‌خواهی خیلی ترقی پیدا بکنی انجام نده.

س: ...

ج: نه لازم نیست ترک مکروه را هم مستحب بدانیم. لازم نیست.

س: ...

ج: نه وظیفه نیست مقدمه‌ی واقعی که نیست وقتی بالغ شد دیگر اختیار که دارد تمرین نکرده یک ذره سخت است سختی باعث نمی‌شود که مقدمه‌ی واجب درست بشود که. اگر از قبل تمرین کرده بود آسان‌تر بود برایش.

س: ...

ج: نه ببینید ممکن است بگوییم بعضی‌های آن را، اگر بگوییم که رُفع قلم التشریع و انصراف نداشته باشد اشکال ندارد ولی این‌جوری نیست که بگوییم هیچ امر مکروهی برای صبیان وجود نداشته باشد.

خب این پس در ناحیه‌ی معروفش که مسلّم است ایشان قبول کرده خودش، بنابراین که عبادات صبی تمرینی نیست و مشروع است فلذا اگر نمازش را خواند بعد بالغ شد اول وقت نماز ظهر و عصرش را خواند ساعت چهار بعد از ظهر بالغ شد گفتند آقا آن کفایت می‌کند چون آن نماز مشروع بوده است.

س: ...

ج: نه اعم است.

س: ...

ج: بله

س: ...

ج: حالا اشکال دومی که می‌خواهیم بکنیم حالا همین است.

اشکال دوم این است که طبق ماذکرنا معلوم شد که این‌جور نیست که صبی و غیر بالغ اصلاً حکم نداشته باشد معروف نداشته باشد و منکر نداشته باشد دیروز عرض کردیم که غیر بالغ نسبت عزائم امور وظیفه دارد وظیفه‌ی امر به معروف و نهی از منکر دارد این یکی از وظایفی است که بر غیر بالغ ممیّز وجود دارد در عزائم امور، چه امور واجبه و چه امور منکره، در آن‌ها وظیفه‌ی امر به معروف و نهی از منکر دارد. پس بنابراین نسبت به مأمور و منهی‌ای که بالغ نیست اما مکلف است نسبت به آن‌چه که مکلف است در آن‌جا امر به معروفش لازم است نهی از منکرش هم چه هست؟ لازم است مکلف است دیگر، فرض این است پس داریم بلکه اگر ما توجه کنیم حالا غیر عزائم امور که می‌گوییم اصل تقلید، اصل تقلید بر تمام عاقل‌ها واجب است یا تقلید یا احتیاط، الان یک کسی، پسری هشت سالش هست توجه دارد خدایی هست تکالیفی هست من چکار باید بکنم؟ الان وظیفه دارم یا نه؟ تا پانزده سالگی می‌توانم؟ این باید یا برای خودش چه درست بکند احتمال می‌دهد که خدای متعال از هشت ساله‌ها هم بخواهد احتمال می‌دهد از نه ساله‌ها، شاید مثل دخترها باشم که از نه سالگی لازم است. بنابراین هر که توجه می‌کند عاقل است و توجه می‌کند خدایی هست و ممکن است از او تکلیف بخواهد امکان تکلیف خواستن هست باید چکار کند؟ باید إمّا اجتهاداً أو تقلیداً چکار بکند؟ وظیفه‌ی خودش را

روشن بکند یا اگر نمی‌خواهد دنبال اجتهاد و تقلید برود احتیاط بکند همین بچه‌ی نه ساله پسر نه ساله که عاقل است و می‌داند اگر توجه به این نمی‌کند وظیفه‌ی ما چه هست؟ این امر عقلی است که بر او لازم است که برای خودش در مقابل شرع باید یک وظیفه‌ای را مشخص بکند که بالاخره من، و این که بخواهد بگوید من سیزده سالگی بالغ می‌شوم بعد از تمام شدن پانزده سال بالغ می‌شوم یا به انباط شعر خشن بالغ می‌شوم یا نمی‌دانم به احتلام بالغ می‌شوم این‌ها را باید تقلید بکند دیگر. پس بنابراین در این امور دیگر بلوغ شرط نیست در این‌که باید وظیفه را تشخیص بدهد که الان من چه وظیفه‌ای دارم در آن بلوغ شرط نیست حالا اگر دنبال این نمی‌رود ما می‌دانیم پسری است دختری است دنبال این که این وظایفش را بداند نمی‌رود. یجب علینا که امر بکنیم نهی بکنیم .

س: ...

ج: نه چون بله منکر که هست و یا به خدمت شما معروف هست امر به معروف و نهی از منکر، خود صاحب جواهر فرمود چی؟ آن‌چه که مستحسن عقلی است آن را هم شامل می‌شود یا قبیح عقلی است آن را هم شامل می‌شود.

س: ...

ج: نه اگر نمی‌رود اگر نمازهایش را می‌خواند روزه‌هایش را می‌گیرد بله این ...

س: چون وظیفه‌اش این است.

ج: وظیفه‌اش چه هست؟

س: اگر برود تحقیق بکند به همین می‌رسد که فعلاً تکلیفی ندارد.

ج: نه چون ببینید تجری دارد می‌کند، کار قبیحی دارد انجام می‌دهد اگر توجه دارد. یک وقت غافل است اصلاً توی ذهنش نیست یک وقت غافل نیست، حالا که غافل نیست توجه دارد دینی است احکامی ممکن است و من هم ممکن است مورد حکم خدای متعال باشم و یا خدای متعال برای بلوغ علائمی قرار داده یکی سن است یکی چه هست یکی چه هست، علائمی را خدای متعال قرار داده این الان باید این‌ها را برود یاد بگیرد این مقدار را که باید برود یاد بگیرد تا ببیند چه تطبیق می‌شود بر خودش؟ آیا تطبیق می‌شود بر خودش که بالغ نیست و خدا از او وظیفه‌ای نخواست است یا بر او تطبیق می‌شود یکی از آن‌ها.

بنابراین هر انسان عاقلی، بله غیر عاقل و مجنون اصلاً توجه به این امور ندارد آن وظایف عقلی هم ندارد این جور است، ولی هر انسان عاقلی که الطفت به این که لعلّ از من شارع حکمی می‌خواهد، درخواستی دارد، حرفی دارد بر او لازم است که یکی از سبّل ثلاثه را ببیند؛ اجتهاد، تقلید یا و ان شاء الله در حوزه‌های علمیه زیاد باشد که قبل از بلوغ هم اجتهاد پیدا کرده باشند کما این که سابقاً گاهی پیدا می‌شد.

س: ...

ج: عقلاً بله.

س: ...

ج: بله توحید و آن عقاید اصلی بله، اما خصوصیاتش و این‌ها نه، بر بالغ‌ها هم خصوصیاتش واجب نیست.

س: ...

ج: قهری است دیگر، پس چی؟ پس از کجا این‌ها را، شارع برای که گفته؟

س: ...

ج: حکم عقلی است سیره بودن یعنی چی؟ یعنی باید باشد دیگر، اگر کسی غافل است غافل است اگر غافل نیست که باید ..

خب این به خدمت شما عرض شود که این هم مناقشه‌ی دوم، مناقشه‌ی سوم این است که پس مناقشه‌ی دوم چه شد؟ این شد که تکالیفی ما برای غیر بالغ‌ها سراغ داریم بنابراین نسبت به آن‌ها امر به معروف و نهی از منکر موضوع دارد این دلیل که آن‌ها راجع به آن‌ها موضوع وجود ندارد این به طور کلی درست نیست بنابراین از همین‌جا روشن شد که آن تفصیل اخیر که عرض کردیم که ما باید بگوییم چی؟ تفصیل این‌جوری بدهیم بگوییم که آن‌چه که تکلیف دارد غیر بالغ در مورد آن‌ها، اما آن‌جایی که تکلیف ندارد البته موضوع امر به معروف و نهی از منکر نیست مگر امر به معروف استجابی، امر به معروف وجوبی برای موارد تکالیف است امر به معروف‌های استجابی هر جا بر صبی استجابی ثابت است یا کراهتی ثابت است آن‌جا قهراً مورد امر به معروف و نهی از منکر مستحب می‌شود.

س: ...

ج: آن قلم نیست، قلم تشریع نیست حکم عقل است. درک عقل است.

س: ...

ج: کراهت‌هایی که.... یعنی این‌ها دیگر بحث‌های فقه است یعنی توی فقه باید ببینیم چه چیزهایی بر صبی هم کراهت داشته باشد مثل همین مواردی که خواندیم دخول بر والدین در آن اوقات ثلاثه که بعضی از آن آیه استفاده کردند که این‌ها مکلف هستند که در اوقات ثلاثه اذن بگیرند و حرام است بر آن‌ها که همین‌جور وارد بشوند.

س: ...

ج: آخر این‌ها تشریعی نیست که بخواهد اذن بدهد یا اذن ندهد تشریع نیست این عقل می‌گوید باید اطاعت خدای متعال را بکنیم حالا الان خدای متعال، این شخص، این بچه می‌گوید که الان خدای متعال من را بالغ می‌داند یا بالغ نمی‌داند؟ از کی باید بروم پیرسم؟ الان من را بالغ می‌داند یا نمی‌داند شاید الان موی خشن دارد شاید الان نمی‌دانم به خدمت شما عرض شود که یا علائم دیگر، بعضی‌ها گفتند صدای کذا هم علامت است بعضی‌ها گفتند شارب هم علامت است. این‌ها را باید برود بفهمد دیگر، چه می‌داند لعلّ الان بالغ باشد پس باید آن را برود تقلید بکند یا اجتهاد بکند دیگر. این‌ها را باید برود تقلید و اجتهاد بکند

س: ...

ج: عقاید یعنی این که ...

س: ...

ج: اگر گفتیم که، نه تشریع است عقاید تشریع نیست عقاید تشریع نیست آن شکر منع هست.

حالا شما اگر قائل شدید اشکال ندارد آن هم حالا بحث‌های دیگری است ما این‌جا آن بحث‌ها را علی‌المبنا داریم می‌گوییم آن‌ها حالا توی فقه حالا شما در آن باب هر چه گفتید از ادله استفاده کردید.

اشکال سومی که در مقام قد یورد بر فرمایش صاحب جواهر و مشهور همان فرمایشی است که قائلین به قول سوم می‌فرمایند که تفصیل می‌دهند مثل مرحوم امام قدس سره، می‌گویند آقا عزائم امور را چرا؟ در عزائم امور وظیفه است؟ پس بنابراین این‌جور نیست که بلوغ یا عقل مطلقاً شرط باشد نه، در موارد عزائم امور شرط نیست این اشکال سوم. صاحب جواهر توجه به این امر سوم داشته ...

س: ...

ج: ثر اشکال دوم می‌گفتیم عزائم امور، ما تکالیفی بر صبیان سراغ داریم.

س: ...

ج: ما به عزائمش کار نداریم داریم در دوم می‌گوییم یک سری تکالیف معمولی بر صبیان سراغ داریم

س: ...

ج: نه مثل امام این‌طوری قائل نیست می‌گوید عزائم فقط، تکلیف معمولی قائل نیست اشکال دوم این است که ما مثل آدم‌های بالغ یک تکالیف‌های معمولی راجع به صبیان سراغ داریم. ولو از عزائم نیست.

س: ...

ج: چرا ممکن است که کسی بگوید نه.

س: ...

ج: تکلیف درست است تکلیف ما می‌گوییم دارد اما فرق تکالیف‌ها این است که آن‌ها تکلیف معمولی داریم می‌گوییم یک تکالیف‌های معمولی ما بر صبیان سراغ داریم بر غیر بالغ‌ها سراغ داریم نه عزائم امور، تا بعداً حرف صاحب جواهر آن‌جا بیاید حالا الان روشن می‌شود فرقی چه هست. اشکال سوم این است که شما چرا در عزائم امور نمی‌گویید؟ در عزائم امور صاحب جواهر توجه داشته فرموده است که در مورد عزائم امور و این‌چنین امور از باب امر به معروف و نهی از منکر نیست آن‌ها از باب امر به معروف و نهی از منکر نیست آن‌ها از باب این است که عزائم امور بر هر شخصی لازم است که نگذارد این در خارج محقق بشود ولو آن‌کننده تکلیف ندارد از بهائیم هم نباید بگذارد محقق

بشود این یک وظیفه‌ای است شارع بر گردن بالغ‌ها گذاشته که نگذار این موضوع در خارج تحقق پیدا بکند ولو از کسی که تحقق از او حرام نیست یا عدم تحققش ترک واجب از او حساب نمی‌شود اما تو وظیفه‌ات این است که نگذاری این در خارج محقق بشود این از باب تکلیف آن‌هایی که بر آن‌ها محرم است یا چه و از باب امر به معروف و نهی از منکر نسبت به آن‌ها نیست اگر هم می‌گویی لاتفعّل، این یک طریقی است از طُرُقی که به واسطه‌ی او می‌خواهی جلوی آن کار را بگیری اما از باب نهی از منکر نیست. منکر نیست بر او، پس بنابراین این اشکال سوم با اشکال دوم تفاوت می‌کند در اشکال دوم نه، تکلیف است ما می‌گوییم آن‌ها تکلیف دارند در اشکال سوم می‌گوییم آقا این امور اصلاً جزو تکالیف آن‌ها نیست از باب دیگری واجب است که بالغ‌ها نباید بگذارند این امور از دیگران ولو آن دیگران انسان هم نباشند صادر بشود این یک وظیفه‌ی آخری است صاحب جواهر این‌جوری می‌فرمایند فلذا فرموده مثل این است که یک حیوان موزی می‌بینی می‌خواهد یک کسی را بکشد شما قدرت داری برای این که جلوی او را بگیری یک گاو هار شده یا یگ گرگ می‌خواهد به یک کسی حمله بکند و او را بکشد شما هم قدرت داری جلوی او را بگیری این‌جا که جلوی گرگ را می‌گیری نهی از منکر که نمی‌کنی این برای این هست که حفظ جان او واجب است حالا اگر دیدی یک طفلی، یک غیر بالغی می‌خواهد یک نفر را بکشد از عزائم امور هست ایشان می‌فرماید این‌جا چه هست؟ این‌جا به او بگویی لاتقتُلْ یا جلوی او را می‌گیری از باب نهی از منکر نیست از باب این است که حفظ جان آن بر شما لازم است راهش این است که به این بگویی نکش یا جلوی او را بگیری.

س: ...

ج: از مصادیق امر به معروف و نهی از منکر ایشان می‌گوید نیست بنابراین ایشان اشکالش در حقیقت این می‌شود که این مفصّلین هم حرف‌شان درست نیست که عزائم امور، بلکه ممکن است که از باب استثناء منقطع برای این که کسی در ذهنش نیاید که این‌ها هم لازم المنع نیست توی ذهنش نیاید یک چنین استثنای را آوردند و الا آن از باب امر به معروف و نهی از منکر نیست. آن‌هایی هم که نیاوردند مقصودشان هست که اگر از آن‌ها استفتاء بشود که آیا در این موارد بر ما واجب است یا واجب نیست منع بکنیم؟ می‌گویند واجب است اما این‌جا چرا نیاورند؟ می‌گوید این‌جا بحث امر به معروف و نهی از منکر است این‌ها ربطی به امر به معروف ندارد. این را ما به خدمت شما عرض شود که می‌پذیریم یعنی به این معنا عرض می‌کنیم به این که ما در مورد عزائم امور هم به همان بیانی که دیروز عرض کردیم عرض می‌کنیم عزائم امور هم بر انسان‌های عاقل لازم است بر مجانبین درست است غیر عاقل درست است آن اصلاً تکلیف ندارد ولی در عین حال منعش لازم است اما نه از باب امر به معروف و نهی از منکر. اما عاقل‌ها که می‌شود مخاطب بشوند می‌شود تکلیف بشوند این‌ها در نسبت به عزائم امور هم این‌ها مکلف هستند به چی؟ به این که منع کنند نهی کنند امر کنند آن‌ها مکلف هستند چرا؟ به همان بیانی که دیروز عرض کردیم بالاخره وقتی می‌فرماید که «مروا بالمعروف و النّہوا عن المنکر» و سایر ادله‌ی وجوب امر به معروف و نهی از منکر، تمام عاقل‌ها را می‌گیرد إنّما خرج به واسطه‌ی ادله‌ی بلوغ، غیر بالغ‌ها، ما باید ببینیم دائره‌ی دلیل مقید و و مخصّص چه مقدار است اگر گفتیم دائره‌ی دلیل مقید و مخصّص انصراف دارد از عزائم امور، پس بنابراین در آن موارد تقیید نمی‌کند تخصیص نمی‌زند اطلاقات ادله‌ی «مُر بالمعروف و النّہوا عن المنکر» چطور است؟ این صبیان بالغ را هم در این موارد می‌گیرد مخصّص ندارد پس بنابراین در مورد عزائم امور نسبت به بالغ‌ها می‌گوییم آن‌جا می‌خواهد تکلیف

دارد امر به معروف و نهی از منکر صادق است و درست است بلکه نسبت به مجانین این جور نیست چون مجنون اصلاً قابلیت برای خطاب ندارد پس از اول «مُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَوُا عَنِ الْمُنْكَرِ» اصلاً شامل مجانین نمی‌شود الا علی مسلک کسی که مثل مرحوم امام قدس سره که قائل است به این که خطابات قانونیه شامل می‌شود که حالا به خدمت شما عرض شود این مسئله گفته می‌شود ولی من جازم نیستم که مرحوم امام قدس سره حتی در خطابات قانونیه هم قائل باشند به این که شامل مجانین هم می‌شود این جازم نیستیم چون درست است ایشان ممکن است که بفرمایند که خطاب قانونی اشکال ندارد از نظر عقلی شامل بشود اما آیا از نظر عرفی انصراف ندارد؟ وقتی شارع می‌فرماید «يَا أَيُّهَا النَّاسُ صَلُّوا صَوْمُوا كُذِّبُوا» یعنی حتی در مراد جدی مولا این شامل مجانین هم می‌شود یا انصراف دارد؟ عقلاً اشکالی ندارد شما بگویید که شامل می‌شود منتها آن‌ها معذور هستند خطاب شاملش بشود چه اشکالی دارد؟ اما به حسب فهم عرفی انصراف دارد خطابات از این که شامل مجانین بشود فلذا «ضَيِّقُ فَمِنْ رَكِيه» است اصلاً ادله‌ی تکلیفیه نه وضعیه، ادله‌ی تکلیفیه شامل مجانین نمی‌شود کما این که خطابات ...

س: ...

ج: یعنی هر کسی که قابلیت خطاب را ندارد فلذا می‌گوییم که در مورد اطفال هم می‌گوییم باید ممیز باشد غیر ممیز مثل مجنون می‌ماند آن هم قابلیت ندارد کما این که خطابات قانونیه شامل عاجز، کسی قدرت بر انجام کاری هم ندارد مرحوم امام می‌فرمایند که شامل عاجزها هم می‌شود و انصراف ندارد یک مناقشه که ما در آن جا عرض کردیم همین است که این باز محاسبه‌ی عقلی است که اشکالی ندارد اما انصراف عقلانی ظاهراً دارد که به عاجزها هم، فلذا است که «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ تَفْساً إِلَّا مَا آتَاهَا» (طلاق، 7) «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ تَفْساً إِلَّا وَشَعَهَا» (بقره، 286) این ادله هم حالا صرف نظر از آن انصراف بکنیم این ادله هم می‌تواند مقید باشد کما این که این ادله هم می‌تواند شاهی باشد بر این که انصراف دارد که خدای متعال می‌گوید ما این کار را، «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ تَفْساً إِلَّا وَشَعَهَا» پس بنابراین حتی در خطابات قانونیه این را محل تردید و اشکال هست بلکه شاید بتوانیم محل منع است که بگوییم خطابات قانونیه شامل می‌شود فتحصل ممّا ذکرنا که قول حق در مقام این هست که بگوییم در مورد مأمور و منهی در مواردی که ثابت باشد تکلیف برای او ولو بالغ نباشد امر به معروف و نهی از منکر وجود دارد «إِنْ كَانَ وَاجِباً فَوَاجِباً وَ إِنْ كَانَ مُسْتَحَبّاً فَمُسْتَحَبّاً» این را باید بگوییم و اما در مورد عزائم اموری که و اموری که برای عاقلها نیست برای مجانین است یا برای طفل غیر ممیز است یا حتی برای بهائم و حیوانات است یا برای هر چیز دیگری است که می‌دانیم شارع راضی به تحقق آن در خارج نیست در آن موارد وظیفه‌ی آخری وجود دارد از باب امر به معروف و نهی از منکر نیست. این جا یک مسئله‌ی دیگری وجود دارد که این را می‌گذاریم برای ان شاء الله شنبه ولی اصلش را عنوان می‌کنیم و آن این است که آیا ما یک ضابطه داریم برای این که عزائم امور را تشخیص بدهیم؟ یا این که این بر عهده‌ی صبیان هم هست تشخیص بدهیم حتی اگر از مجانین هم سر می‌زند باید یا یک ضابطه‌ای نداریم امام رحمه الله در طهارت‌شان از بعض فقها یک ضابطه‌ای نقل کردند بعد در آن ضابطه مناقشه کردند ان شاء الله آن ضابطه را متعرض می‌شویم و بحث می‌کنیم.

و صلی الله علی محمد و آل محمد.